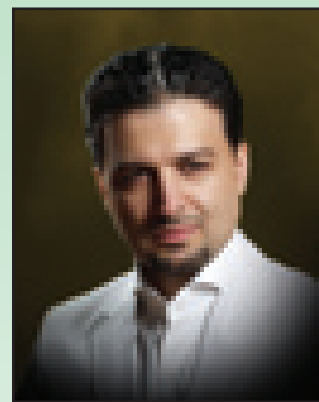


لوح سفالین کوروش، منشوری برای سعادت بشر



دکتر محمدصادق محفوظی

امپراطوری گسترده ایران بیان شده است که نشانی از خردورزی، تعقل، عشق و توجه به ارزش‌های والای انسانی دارد و این یکی از مهم‌ترین دلایل ارزشمندی و ماندگاری این لوح استوانه‌ای شده است.

نوشته‌های این منشور در ۴۵ سطر نگاشته شده و احترام به ملل، نحل و ادیان یکتاپرستانه با بردباری تمام تبیین شده است.

حاکم جباری، که پیش از کوروش بزرگ بر سرزمین بابل (عراق کنونی) فرمانروایی داشته است؛ چنان که در سطر ۸ آمده است: «...او مردم را به سختی معاش دچار کرد. هر روز به شیوه‌ای ساکنان شهر را آزار می‌داد. او با کارهای خشن خود مردم را نابود می‌کرد... همه مردم را.»

و در سطر ۱۰: «... مردم از خدای بزرگ می‌خواستند تا به وضع همه باشندگان روی زمین که زندگی و کاشانه‌شان رو به ویرانی می‌رفت، توجه کند...»

در سطرهای بعد سخن از عدالت و دادگری کوروش با همه مردمان رفته است. سطر ۱۴: «... کوروش با راستی و عدالت کشور را اداره می‌کرد. مردوک، خدای بزرگ، با شادی از کردار نیک و اندیشه نیک این پشتیبان مردم خرسند بود.»

نوشته‌های این لوح بیان می‌کند، کوروش با آن که قلمرو حکومتی بسیار پهناور و قدرت زیادی داشت، اما در اوج قدرت، فروتنانه و بردبارانه، انسان‌ها را با هر دین و عقیده خداپرستانه آزاد گذاشت، و اجازه داد که آن‌ها به عبادت پروردگار در نیایشگاه‌های خود بپردازند. وی توانست همزیستی مسالمت‌آمیزی بین ملل و نحل فراهم سازد.

تلاش برای براندازی برده‌داری یکی دیگر از افتخارات ایرانیان در ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است.

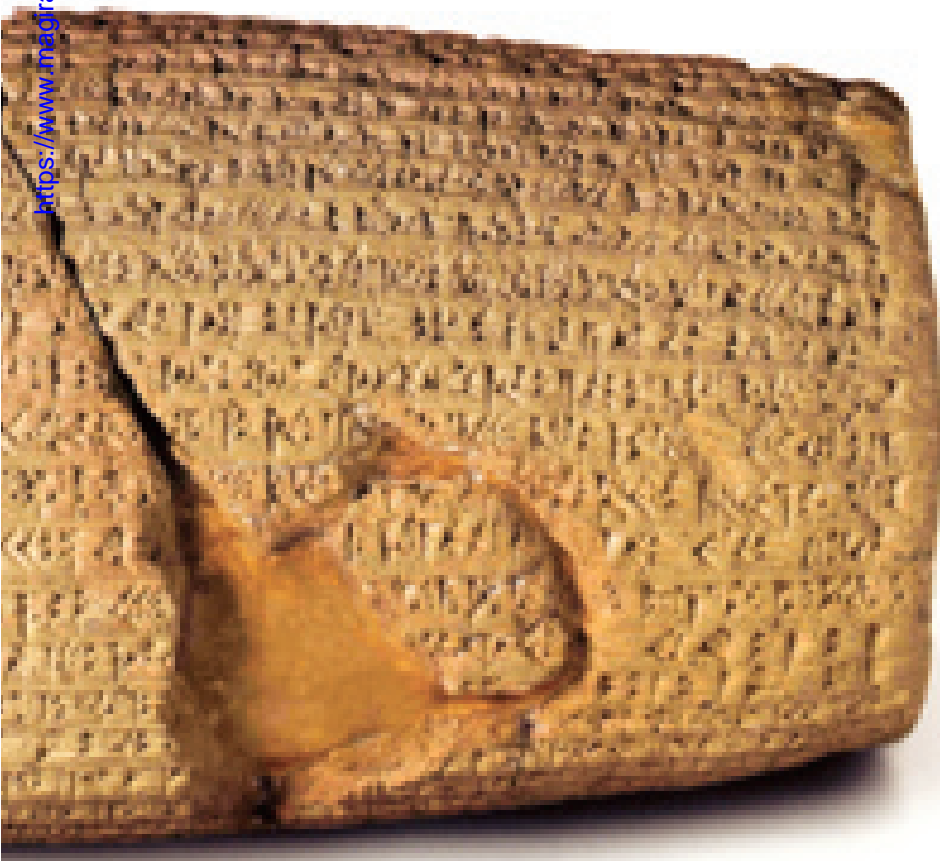
لوح سفالین استوانه‌ای که از آن به عنوان منشور حقوق بشر کوروش یاد می‌کنند، در سال ۵۳۸ پیش از میلاد در زمان کوروش دوم هخامنشی پادشاه و بنیان‌گذار امپراطوری عظیم هخامنشی نگاشته شده است.

جنس این لوح از گل پخته شده است، چه شگفت‌انگیز است!... خداوند انسان را از این گل بی‌ارزش خلق کرده است و با دمیدن روح خویش بر گل، انسان را به بالاترین مرتبه رسانید تا جایی که خود می‌فرماید: «فتبارک الله احسن الخالقین...»

لوح استوانه‌ای گلی ساخته دست بشر در ۲۵۰۰ سال پیش نیز با حک نوشته‌ها روی آن چنان عظمتی یافته است که از آن به‌عنوان نخستین منشور حقوق بشر در جهان نام می‌برند. عبارات ارزشمند بر روی لوح، آمال و آرزوهای دست‌نیافته تمامی انسان‌هاست. لوح مدینه فاضله‌ای را که در ۲۵۰۰ سال پیش وجود داشته را، برای بشر امروز تجسم کرده است و با زبان خاموش خود ویژگی‌های جامعه آرمانی را برای ما در قرن ۲۱ گفته است. به قول مولانا که می‌فرمایند:

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم
با شما نامحرمان ما خاموشیم
چون شما سوی جمادی می‌روید
محرّم جان جمادان چون شوید
از جمادی عالم جانها روید
غُلُغُل اجزای عالم بشنوید
فاش تسبیح جمادات آیدت
وسوسه‌ی تأویل‌ها نریایدت
چون ندارد جان تو قندیل‌ها
بهر بینش کرده‌ای تأویل‌ها

نوشته‌های حک شده بر روی این لوح که به «خط میخی اکدی (بابلی نو) است از زبان حاکم و



هستی ساقط نکند...»

سطر ۳۲: «فرمان دادم تمام نیایشگاه‌هایی که بسته شده بود را بکشایند. ... همه مردمانی که پراکنده و آواره شده بودند را به جایگاه‌های خود برگرداندم. خانه‌های ویران آنان را آباد کردم. همه مردم را به همبستگی فرا خواندم.»

کوروش همگان را به راستی و دفاع از کرامت انسانی فرا می‌خواند، وی در سرتاسر لوح تنها از پروردگار یاری گرفته، که نشان دهنده‌ی موحد بودنش است.

بعضی از پژوهشگران با یکسان دانستن شخصیت «کوروش» و «ذوالقرنین» وی را شخصیت آسمانی و الهی دانسته‌اند، اگر این فرضیه هم اثبات نشود، اندیشه، گفتار و کردار کوروش پیامبرگونه بوده است که به همگان خصوصاً سردمداران حکومت‌ها درس انسانیت می‌دهد. کوروش نماد فردی از ملت ایران با اعتقادات ارزشمند آسمانی و انسانی در ۲۵۰۰ سال پیش است.

منشور کوروش تنها نمونه‌ای از مکتوبات دفاع از حقوق و عدالت و کرامت انسانی است. کتیبه داریوش بزرگ در نقش رستم نیز بیان کننده دفاع از حقوق و عدالت و کرامت‌های انسانی‌اند. آن چنان که در بند ۲ و ۳ این کتیبه آمده است:

«... به‌خواست اهورامزدا چنان کسی هستم که راستی را دوست هستم، بدی را دوست نیستم. نه مرا میل (است) که (شخص) ضعیف از طرف توانا (به او) بدی کرده شود. نه آن مرا میل (است) که (شخص) توانائی از طرف ضعیف (به او) بدی کرده شود. آنچه راست (است) آن میل من (است). مرد دروغگو را دوست نیستم. تند خو نیستم. آن چیزهایی را که هنگام خشم بر من وارد می‌شود سخت به اراده نگاه می‌دارم.»

در کتیبه‌های «بیستون» و «گنجامه» همدان نیز شاهان هخامنشی دوام حکومت خویش را تنها با یاری خداوند یکتا مدد می‌جویند.

روحیه عدالت طلبی، آزادی اعتقادات ارزشمند آسمانی و مبارزه با ستم و تکریم نفس انسانی و مبارزه با برده‌داری در ۲۵۰۰ سال پیش، نشان دهنده روحیه ملی‌گرایی و انسانی ایرانیان بوده، که قبل از ظهور دین مبین اسلام وجود داشته است. با ورود دین آسمانی اسلام به ایران و آمیخته شدن روحیه ملی‌گرایانه و انسان دوستانه با روحیه متعالی دین‌گرایی، دفاع از عقاید پاک و اندیشه‌های ناب انسانی بیشتر مورد اهمیت قرار گرفت

و تأکید به عدالت محوری و دفاع از حقوق انسانی بنا به دستورات مؤکد قرآن کریم، بسیار مورد توجه قرار گرفت. قلوب پاک ایرانیان موحد، آماده‌ی پذیرش ندای آسمانی دین اسلام بودند و اسلام را به‌عنوان حقیقت توحیدی پذیرفتند، زیرا ایرانیان همواره در طول تاریخ طلایه‌دار کلام حق بوده‌اند.

امروزه بعد از گذشت دو هزار و پانصد سال، جوامع بشری دچار بحران شده است و بیش از هر زمانی به مفاد منشور ارزشمند کوروش نیازمند است. امروز حکومت‌ها نیازمند بازنگری مجدد در رفتار، گفتار، کردار، منطق، اصول، اندیشه‌ها و مرام خود هستند و منشور کوروش سند معتبری برای رجوع به اصول انسانی و الهی است.

کوروش بابل را بدون هیچ خونریزی فتح کرد، مردمانش را از زیر ظلم و ستم حاکم جابر آن عصر، «نبوکدالنصر» رهانید و آرامش را به‌عنوان عطیه به مردمانش بازگردانید، در صورتی که امروزه می‌بینیم در عراق، آمریکا به بهانه مبارزه با حکومت دیکتاتوری صدام و نجات مردمانش به این کشور حمله می‌کند، صدام را سرنگون می‌سازد. اما چقدر خون بر زمین ریخته شد، آیا آرامش به مردمانش بازگردانیده شد؟

آیا در افغانستان صلح و دوستی حکمفرما گردید؟ کوروش اجازه می‌دهد، که نیایشگاه‌ها دوباره بازسازی شوند، و مردمان به عبادت پروردگار خود با هر دینی که دارند بپردازند، اما امروزه می‌بینیم، مساجدی را که آتش می‌زنند، به مقدسات مسلمانان (کتاب آسمانی قرآن) اهانت می‌کنند، در صورتی که این کتاب آسمانی سراسر نور و رحمت برای همه جهانیان فرستاده شده است. در این کتاب آسمانی تنها روی سخن با مسلمانان نیست، سخن از دین‌های پیشین یهود و مسیح نیز رفته است. به ابعاد انسانی، کرامت نفس، فضیلت‌ها، خوبی‌ها و پاکی‌ها تأکید شده است و مرجع کاملی برای تمام آزادگان جهان است؛ امروز فردای عالم است، پر از غبار تجدد به بیراهه شتافته، بریده از مبدا فیض و عمارت‌های خود بنیاد بر آن بسیار است، خون و خصومت در آن موج می‌زند... و ما در انتظار پس فردای عالم که رجعت به خویشتن است، محبت، همزیستی و انسانیت در آن موج می‌زند، حقیقت دین حنیف در آن آشکار می‌شود و مردمان به هم لبخند می‌زنند.

منبع: www.mahfouzi-museum.com

